**جلسه 58-170**

**دو‌شنبه - 02/11/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که بناء بر نظر مشهور که واجب هست در فرض اشتباه قبله به چهار جهت نماز خوانده بشود، ‌در نماز ظهر و عصر هشت نماز باید خوانده بشود ولی اگر وقت تنگ بود نمی‌توانست هشت نماز بخواند، ‌صوری برای مسأله ذکر شد:

صورت اولی این بود که هفت نماز می‌‌تواند بخواند. که حکمش را بیان کردیم.

صورت ثانیه این بود که شش یا پنج نماز می‌‌تواند بخواند که خاصیتش این است که فقط می‌‌تواند موافقت قطعیه بکند نماز ظهر را. که ما گفتیم متعین است موافقت قطعیه نماز ظهر، چهار تا نماز ظهر می‌‌خواند، یکی یا دو تا نماز عصر که وقت هست می‌‌خواند. این را هم توضیح دادیم.

صورت ثالثه این است که متمکن از موافقت قطعیه هیچکدام از این دو نماز نیست. مثل این‌که چهار تا نماز بتواند بخواند. کسی که چهار تا نماز می‌‌تواند بخواند، اگر نظر شهید اول را که نقل شده از او مطرح کنیم و به او پایبند باشیم که اصلا وقت مختص عصر می‌‌شود همین چهار نماز. ولی آن مبنا چون تمام نیست از او غمض عین می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که چهار نماز می‌‌تواند بخواند، ‌وقت مختص عصر به اندازه اربع رکعات است. این را ما دیروز بحث کردیم.

و لذا اولین نمازش که قطعا باید نماز ظهر باشد چون اگر بخواهد نماز اول را نماز عصر بخواند که ترتیب مختل می‌‌شود. آخرین نمازش که یقینا باید نماز عصر باشد چون در وقت مختص عصر است. می‌‌ماند نماز دوم و سوم. صاحب عروه گفته که باید نماز دوم و سوم را نماز ظهر بخواند.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که بخاطر ضیق وقت است که نماز چهارم بشود در وقت مختص عصر.

پس نماز اول نماز ظهر، نماز چهارم نماز عصر، نماز دوم و سوم را صاحب عروه گفته که باید نماز ظهر بخواند. طبق نظر صاحب عروه سه تا نماز ظهر می‌‌شود به سه جهت و یک نماز عصر. چرا؟ برای این‌که موافقت ظنیه نماز ظهر مقدم است بر موافقت ظنیه نماز عصر. درست است موافقت قطعیه نمی‌شود بکنید، ‌راهی ندارید، اما در تزاحم احرازی هم اگر احراز امتثال هیچکدام از این دو تکلیف ممکن نیست اما امتثال ظنی آن تکلیف اهم مقدم است بر امتثال ظنی تکلیف غیر اهم و نماز ظهر اهم است، ‌صلات وسطی است.

این فرمایش صاحب عروه وجهی ندارد. چه وجهی دارد موافقت ظنیه نماز ظهر مقدم است بر موافقت ظنیه نماز عصر؟ به چه دلیل؟ و لذا به نظر ما می‌‌تواند نماز دوم را نماز عصر بخواند، چرا نماز ظهر بخواند به یک جهت دوم؟ نماز عصر می‌‌خواند به همان جهت اول که نماز ظهر را خوانده است.

نماز سوم را در این صورت دیگه نمی‌تواند عصر بخواند، ‌باید ظهر بخواند. چرا؟ برای این‌که اگر نماز ظهر و عصر را به یک جهت خواند، ‌این دو تا نماز می‌‌شود، ‌نماز سوم را به یک جهت دیگر که می‌‌خواهد بخواند اگر بخواهد عصر بخواند، ‌خلاف ترتیب بین نماز ظهر و عصر پیش می‌آید. و لذا باید نماز سوم را در این صورت نماز ظهر بخواند.

می‌تواند این کار را بکند:‌ نماز اول را نماز ظهر بخواند به یک سمت، نماز دوم را نماز ظهر بخواند به سمت دیگر. یعنی می‌‌تواند دو تا سمت را انتخاب کند، در این دو تا سمت هم نماز ظهر بخواند هم نماز عصر، ‌نماز ظهر و عصر به سمت اول، ‌نماز ظهر و عصر به سمت دوم. حالا دیگه به هر نحو که خودش دوست دارد. اولی می‌‌آمد نماز ظهر را به یک سمت می‌‌خواند، ‌نماز عصر را هم به همان سمت می‌‌خواند، ‌بعد می‌‌رفت نماز ظهری را به سمت دوم می‌‌خواند، ‌حالا عصرش را به کدام سمت بخواند آن بحث دیگری بود. راه دیگر این است که نه، نماز ظهر را به این سمت الف بخواند، ‌بعد بیاید نماز ظهر دیگر را به سمت دوم بخواند بعد برود نماز عصر را به سمت اول دومرتبه نماز عصر را به سمت دوم. خلاصه می‌‌تواند این کار را بکند، دو تا نماز ظهر می‌‌شود دو تا نماز عصر. می‌‌تواند هم آن کاری که صاحب عروه گفت انجام بدهد: سه تا نماز ظهر بخواند یک نماز عصر. مخیر است.

[سؤال: ... جواب:] صاحب عروه گفت متعین است سه نماز ظهر بخواند به سه سمت و یک نماز عصر، ‌موافقت ظنیه نماز ظهر مقدم است چون نماز ظهر اهم است. ما می‌‌گوییم این دلیل ندارد. ما می‌‌گوییم تعین ندارد این راه صاحب عروه. می‌‌تواند این راه صاحب عروه را انتخاب کند، می‌‌تواند راه دیگری انتخاب کند: دو تا نماز ظهر بخواند دو تا نماز عصر. حالا دو تا نماز ظهر دو تا نماز عصر هم دو جور می‌‌تواند بخواند: نماز ظهر و عصر به جهت اولی بعد نماز ظهر و عصر به جهت ثانیه یا یک ظهر به این سمت یک ظهر به آن سمت بعد بیاید شروع کند عصر را به سمت اول، ‌عصر دیگری را به سمت دوم.

ما به نظرمان این راه که آقای خوئی مطرح کرده که می‌‌تواند نماز عصر آخرش را به سمتی بخواند که نماز ظهر را نخوانده، ‌اصلا فرض کنید سه تا نماز ظهر خواند به این سه سمت، ‌نماز عصرش را به سمت چهارم بخواند، ‌آقای خوئی می‌‌گفت چه اشکالی دارد؟ چون دیگه ترتیب که در وقت مختص عصر از بین رفت، ‌شرط نیست، ‌چه اشکالی دارد نماز عصر را به سمتی بخواند که نماز ظهر را به آن سمت نخوانده است، ‌ما این را قبول نداریم. چرا؟ می‌‌گوییم جناب آقای خوئی! مشکل علم اجمالی است به این‌که یکی از این نمازها یا نماز عصرش خلاف جهت قبله است یا نمازهای ظهرش خلاف جهت قبله است. ‌این علم اجمالی را چه کار کنیم؟ بله، اگر می‌‌گویید واقعا شرطیت قبله ساقط هست خب این بحث دیگری است، شما که این را نمی‌شود بگویید. چون من قادرم بر استقبال قبله واقعا، عاجزم از احراز امتثال، ‌عاجزم از احراز استقبال قبله، ‌شرطیت استقبال قبله که ساقط نمی‌شود، ‌نوبت به موافقت احتمالیه می‌‌رسد. خب این چه موافقت احتمالیه است که علم اجمالی دارم یکی از این نمازها باطل است، ‌یا نماز عصرم باطل است چون این جهت رابعه قبله نیست یا هر سه نماز ظهرم باطل است چون اگر جهت رابعه قبله بود آن سه جهت دیگر قبله نبوده است.

[سؤال: ... جواب:] احتمال این‌که بین دو جهت قبله بوده که هرکدام چهل و پنج درجه، نماز عصر چهل و پنج درجه این طرف قبله بوده، ‌نماز ظهرمان چهل و پنج درجه آن طرف قبله بوده، این احتمال هست و لکن مؤمّن نداریم نسبت به این، ‌مجرد احتمال که کافی نیست. استصحاب می‌‌گوید شما مستقبل قبله نبودی در بعض این نمازها. این راه راهی نیست که شارع تایید کرده باشد. شما یک کاری بکنید که علم اجمالی پیدا می‌‌شود که بعضی از این نمازها رو به قبله نبوده، ‌فقط می‌‌گویید شاید قبله بین این دو جهت واقع شده بود که نماز عصرم چهل و پنج درجه این طرف، ‌نماز ظهرم چهل و پنج درجه آن طرف قبله بوده، خب این احتمال که مؤمّن نیست. ... علم اجمالی داریم که ما به سمت قبله نیستیم یا در نماز ظهر یا در آن سه نماز عصر، فقط شارع یک مؤمّنی قرار داد که اگر به چهار سمت نماز بخوانید من اختلاف چهل و پنج درجه را می‌‌بخشم اما اگر نمی‌خواهید به چهار طرف نماز بخوانید از کدام روایت استفاده کنیم که شارع می‌‌بخشد انحراف چهل و پنج درجه را؟‌ ... می‌‌توانید یا نمی‌توانید بالاخره نمی‌خوانید. یصلی لاربع جهات می‌‌گوید اگر به چهار طرف نماز بخوانید ما انحراف احتمالی تا چهل و پنج درجه را می‌‌بخشیم. اگر به چهار طرف نماز بخوانی شاید هر چهار نمازت خلاف قبله باشد اما انحرافش یقینا یکی از این چهار نماز از قبله بیش از چهل و پنج درجه نیست، ‌اگر به چهار سمت نماز بخوانی ما اغماض می‌‌کنیم از این انحراف تا چهل و پنج درجه، ‌اما اگر چهار نماز نمی‌خوانی ما دلیلی بر این اغماض نداریم. علم اجمالی به انحراف از جهت قبله یا در نماز عصر یا در آن سه نماز ظهر دارید و فرض این است که هر نمازی را هم که به چهار طرف نخواندی تا یصلی لاربع وجوه بگوید ما از انحراف احتمالی تا چهل و پنج درجه غمض عین کردیم.

و لذا به نظر ما نمی‌شود نماز عصرتان را به یک جهتی بخوانید که نماز ظهر را به آن جهت نخواندید.

صورت رابعه این است که به اندازه سه نماز وقت داشته باشید. نماز اول را که باید ظهر بخوانید، ‌نماز آخر راه که باید عصر بخوانید. روشن است وجهش. نماز اول ظهر باید خوانده بشود، ‌چون عصر بخوانید خلاف ترتیب است. نماز آخر هم باید عصر بخوانید چون در وقت مختص عصر است. اما نماز دوم صاحب عروه دیگه نظرش روشن است، می‌‌گوید باید ظهر بخوانید، ‌دو تا ظهر یک عصر. لابد چون نظرش این است که موافقت ظنیه، حالا این را نمی‌شود اسمش را گذاشت موافقت ظنیه چون از هر چهار جهت دو جهت را می‌‌توانید به ظهر بخوانید بعد یک نماز دیگر را هم نماز عصر می‌‌خوانید به یک جهت. نسبت احتمال موافقت در نماز ظهر بیشتر است، یعنی یک دوم است ولی در نماز عصر یک چهارم است.

[سؤال: ... جواب:] سه تا نماز می‌‌تواند بخواند، اگر نماز سومش را هم ظهر بخواند که می‌‌شود در وقت مختص عصر. بحث در نماز دوم است.

به نظر ما وجهی ندارد کلام صاحب عروه. حالا نماز ظهر صلات وسطی است، ‌دیگه بابا عقلاء مغرشان به این چیزها قد نمی‌دهد، ‌شما می‌‌گردید یک چیزهایی پیدا می‌‌کنید بعد می‌‌گویید عقلاء آیا این را نمی‌گویند؟‌ عقلاء‌ اگر این را می‌‌گفتند که زندگی‌شان مثل ما می‌‌شد.

صورت خامسه: فقط به اندازه دو نماز وقت است. دیگه این حکمش روشن شد: یک نماز ظهر می‌‌خواند به یک جهتی و نماز عصر را هم به نظر ما باید به همان جهت بخواند.

[سؤال: ... جواب:] در صورت رابعه سه تا نماز می‌‌توانست بخواند. ما می‌‌گوییم نماز دوم را می‌‌توانی ظهر بخوانی به یک جهت دیگر، می‌‌توانی عصر بخوانی به همان جهتی که نماز ظهرت را خواندی. ... من می‌‌گویم در صورت رابعه مخیری سه تا نماز می‌‌توانی بخوانی، ‌نماز اول را ظهر بخوان، ‌نماز سوم را عصر بخوان، نماز دوم مخیری یا ظهر بخوانی به یک جهت دیگر یا عصر بخوانی به همان جهت نماز ظهر. ... آن نماز عصر اول را به جهت ظهر می‌‌خواند چون اگر به یک جهت دیگر بخواند که شرط ترتیب مختل می‌‌شود. نماز عصر اول را اگر می‌‌خواهد نماز عصر بخواند آن صلات ثانیه را، به همان جهتی می‌‌خواند که نماز ظهر را خوانده. بعد طبعا نماز سوم که نماز عصر می‌‌شود. ... علم اجمالی قابل احتیاط نیست. سه نماز بیشتر نمی‌تواند بخواند. خودش را بکشد؟ ... چه لزومی دارد که دومی حتما نماز ظهر باشد. ... مگر بخواهد یک ظهر بخواند، بعد یک عصر به همان سمت ظهر، یک عصر به جهت دیگر علم اجمالی پیدا می‌‌شود به بطلان؟

[سؤال: ... جواب:] آن را وجهش گفتیم: اگر نماز ظهر را به سمت مثلا جنوب بخواند، ‌نماز عصرش را به سمت شمال، ترتیب ندارد، علم تفصیلی به بطلان عصر پیدا نمی‌کند اما علم اجمالی پیدا می‌‌کند یکی از این دو نماز بر خلاف جهت قبله است. ... اگر ما یجزی المتحیر داشتیم که این چند تا مسأله را از صفحه وجود پاک می‌‌کردیم. ما علی المبنی می‌‌گوییم کسانی که یجزی المتحیر را مثل ما قبول ندارند، می‌‌گویند نماز ظهر و عصر را باید هر نمازی را چهار تا نماز بخوانی در فرض اشتباه قبله، این مکلف حالا نمی‌تواند هشت نماز بخواند چه کند. ما که می‌‌گوییم یجزی المتحیر در اول وقت هم می‌‌گوییم دو نماز بخوان. اصلا ما که به این مشکلات علم اجمالی مبتلا نمی‌شدیم.

صاحب عروه فرموده که می‌‌شود احتیاط بکند این آقا: نمازش را به نیت ما فی الذمة بخواند چون نماز ظهر و عصر است دیگه. صاحب عروه تعبیری که دارد در آخر این مسأله گفته که و الاحوط ان یأتی، آن جایی که به چهار سمت احتیاط بکند آن مواردی که بعضی‌ها می‌‌گفتند ظهر بعضی‌ها می‌‌گفتند عصر به نیت ما فی الذمة بخواند. ببینید این نیت ما فی الذمة دو تا شرط دارد، ‌این را دقت کنید! شرط اول این است که احتمال تخییر ندهیم. احتمال تخییر با نیت ما فی الذمة نمی‌سازد. نیت ما فی الذمة یعنی واجب معینی داریم نمی‌دانیم کدامیک است، می‌‌گوییم خدایا! آن واجب معینی که هست او را قصد می‌‌کنیم اجمالا. اما اگر ما مخیریم بین این‌که الان نماز ظهر بخوانیم یا نماز عصر، خب ما اگر مخیر باشیم قصد ما فی الذمة که تعیین نمی‌کند این نماز ظهر است یا نماز عصر، چون ما فی الذمة می‌‌شود جامع ما بینهما. مخیریم، ‌وقتی مخیر بودیم کدامیک را انجام می‌‌دهیم. با قصد ما فی الذمة که واجب تخییری معین نمی‌شود که کدامیک را می‌‌خواهیم انجام بدهیم. شرط اول ما فی الذمة این است که احتمال تخییر ندهیم.

[سؤال: ... جواب:] چون احتمال تخییر بدهیم شاید تخییر باشد بین این‌که نماز ظهر بخوانیم یا نماز عصر. بگوییم خدایا! به قصد آنچه که ما باید بخوانیم نماز را می‌‌خوانیم. خدا با آن زبان غیبش می‌‌گوید که آنی که باید بخوانی اعم از نماز ظهر و عصر است، شما کدام‌ها را قصد می‌‌کنی؟ پس باید واجب، ‌تعیینی باشد، ‌ندانم کدام است قصد ما فی الذمة بکنم.

شرط دوم ما فی الذمة این است که در اینجا کیفیت نماز ظهر با نماز عصر فرق نکند. ببینید! در همان جایی که مثلا سه تا نماز می‌‌خواندیم، ‌اگر نماز دوم را ظهر می‌‌خواندیم باید به جهت دیگر می‌‌خواندیم. نماز ظهر را اول خواندیم به جهت جنوب، اگر می‌‌خواستیم نماز دوم را ظهر می‌‌خواندیم باید به جهت مثلا غرب می‌‌خواندیم یا به جهت شمال یا به جهت شرق. چون دو تا نماز ظهر که به یک جهت نمی‌خوانند. اما اگر می‌‌خواستیم نماز عصر بخوانیم چه می‌‌کردیم؟ برای این‌که ترتیب مختل نشود نماز عصرمان را در همان جهت جنوب می‌‌خواندیم. ما اگر بخواهیم در آن سه تا نماز نماز دوم‌مان را ظهر بخوانیم باید به یک جهتی بخوانیم، عصر بخوانیم باید به یک جهت دیگر بخوانیم. اینجا که جای نیت ما فی الذمة نیست.

[سؤال: ... جواب:] نماز دوم را دارم می‌‌گویم، نماز دوم را به کدام سمت می‌‌خوانی، ‌آقا! اگر ظهر است که نمی‌توانم تکرار کنم نماز ظهر به همان سمتی که اول نماز ظهر خواندم، این‌که لغو است. اگر ظهر می‌‌خواهم بخوانم باید به یک جهت ثانیه بخوانم. ولی اگر عصر بخواهم بخوانم به جهت ثانیه بخوانم این اخلال به ترتیب است، باطل می‌‌شود.

و لذا شرط دوم هم باید رعایت بشود. اگر این دو شرط رعایت بشود بله، چه اشکال دارد شما نیت ما فی الذمة کنید، ‌ما که بخیل نیستیم. مثلا شما می‌‌گویید شاید قول شهید درست باشد، اگر قول شهید درست باشد چهار تا نماز را در وقتی که فرصت ندارید برای چهار تا نماز بیشتر باید به نیت نماز عصر بخوانید ولی اگر قول شهید درست نباشد نماز اول را به نیت ظهر می‌‌خوانید، خب نماز اول را به نیت ما فی الذمة می‌‌خوانم، ‌نماز دوم هم می‌‌توانم به یک سمت دیگر بخوانم او هم به نیت ما فی الذمة بخوانم. راه دارد اما با رعایت آن دو شرط راه برای نیت ما فی الذمة هست.

اما نماز مغرب و عشاء: نماز مغرب و عشاء یکی سه رکعت است یکی چهار رکعت‌، این هم آقایان گفته‌اند بگوییم شما که وارد بحث ریاضی شده‌اید، فرض کنید بیست و پنج رکعت بیشتر وقت نیست، چهار تا نماز مغرب و چهار تا نماز عشاء می‌‌شود چقدر؟ بیست و هشت، ‌سه رکعت کم دارید. اینجا توجه داشته باشید برای احتیاط راهش این است که آن دو نماز آخر هر دو عشاء باشد. مبادا بگویید من به جهت اول نماز مغرب و عشاء می‌‌خوانم، می‌‌روم جهت دوم نماز مغرب و عشاء می‌‌خوانم، می‌‌روم جهت سوم نماز مغرب و عشاء می‌‌خوانم، بعد می‌آیم جهت چهارم، [در] جهت چهارم شما به اندازه چهار رکعت وقت دارید، سه رکعت کم دارید، ‌بیست و هشت رکعت فقط به اندازه بیست و پنج رکعت وقت دارید، غروب می‌‌شود یعنی اگر نماز عشاء به عهده‌تان باشد، آن نماز عشاء قبلی باطل باشد به اندازه یک چهار رکعتی نماز عشاء وقت دارید، آن وقت چرا الان مغرب می‌‌خوانید؟ راهش این است: بیایید مثلا اول چهار تا مغرب بخوانید...

[سؤال: ... جواب:] چهار رکعت به نیمه شب مانده نمی‌شود نماز مغرب خواند، ‌وقت مختص عشاء است. نمی‌شود که بگویم سه رکعت مغرب می‌‌خوانم بعد یک رکعت عشاء. این‌که خلاف ضرورت فقه است، در بحث خودش گفتیم. دیگه بحث‌های قبلی یادتان نرود.

راهش این است: چهار تا نماز مغرب بخواند، یک راهش این است، مهم این است که آن دو تا نماز آخر نماز عشاء باشد که بعد چهار تا نماز عشاء می‌‌خواند، ‌آن وقت عملا مشکل حل می‌‌شود. چطور؟ عملا آخرین نماز عشائی که می‌‌خواند یک رکعتش داخل وقت است. چون کل این نمازها بیست و هشت رکعت است، ‌به اندازه بیست و پنج رکعت وقت دارد، یعنی اگر بیاید چهار تا نماز عشاء را آخر بخواند یک رکعت از نماز عشاء آخری داخل وقت می‌‌شود. قاعده من ادرک می‌‌گیردش.

[سؤال: ... جواب:] چهار تا نماز مغرب به چهار سمت خواند بعد هم چهار نماز عشاء به چهار سمت خواند، چه علم اجمالی؟

ما باز عذرخواهی می‌‌کنیم از دوستان، گاهی یک وقت ما، ‌مقام اثبات‌مان تند می‌‌شویم، مقام ثبوت چیزی نیست. این برای کنترل مجلس است.

مسأله 15: من وظیفته التکرار الی الجهات اذا علم او ظن بعد الصلاة الی جهة انها القبلة لایجب علیه الاعادة و لااتیان البقیة.

این‌که بحث ندارد. کسی که باید چهار نماز بخواند، ‌بعد از نماز اولی که خواند، ظن پیدا کرد یا علم پیدا کرد همین جهت اولی قبله بوده‌، یعنی تحری بعد از صلات، مجزی است دیگه، لازم نیست تحری حین الصلاة باشد و لو تحری بعد الصلاة. مثل تقلید بعد العمل. اول می‌‌رود کارش را انجام می‌‌دهد بعد می‌‌رود مسأله‌اش را می‌‌پرسد.

[سؤال: ... جواب:] نیت کرده.

و لو علم او ظن بعد الصلاة الی جهتین او ثلاث ان کلها الی غیر القبلة، ‌این مطلب دوم صاحب عروه وحشتناک است، ایشان می‌‌گوید که اگر فرض کنید سه تا نماز خواند این آقا بعد ظن پیدا کرد که قبله آن جهت رابعه است، صاحب عروه می‌‌دانید چی می‌‌گوید؟ می‌‌گوید که پس طبق ظن شما این نمازی که به آن جهت متصله به این جهت رابعه خواندی، ببین! آیا انحرافش با آن نقطه قبله که ظن به او داری کمتر از نود درجه است یا به اندازه نود درجه؟ چون صاحب عروه معتقد بود که لازم نیست نود درجه فاصله بشود بین هر دو نماز، لایجب ان یکون الخطوط متقاطعات، ‌الاولی ان تکون الخطوط متقاطعات. اگر آن نمازی که خواندی با این جهت رابعه انحرافش کمتر از نود درجه باشد نیازی نداری نماز چهارم را بخوانی، اصلا نماز چهارم را نخوان به برکت این‌که ظن پیدا کردی یا علم پیدا کردی که این جهت رابعه قبله است. می‌‌دانید معنای کلام صاحب عروه چیه؟ صاحب عروه می‌‌گوید اگر احتمال قبله بودن جهت رابعه یک چهارم باشد، باید این نماز چهارم را هم بخوانی اما اگر احتمال قبله بودن جهت رابعه بشود سه چهارم یا بالاتر، ‌علم پیدا کنی به این‌که این جهت رابعه قبله است، اصلا نیاز به این‌که به جهت رابعه نماز بخوانی نداری چون انحرافت از قبله کمتر از نود درجه بوده. یعنی هر چی احتمال قبله بودن جهت رابعه ضعیف‌تر باشد این منشأ می‌‌شود که احتیاط بکنی به این جهت رابعه نماز بخوانی. چرا احتیاط بکنم؟ آخه احتیاط معنایش این است که می‌‌ترسم جهت رابعه قبله باشد، ‌اگر نماز نخوانم به جهت رابعه یک وقت نمازم علی خلاف القبلة خواهد بود. صاحب عروه می‌‌گوید اتفاقا اگر علم پیدا کنی به این‌که جهت رابعه قبله است می‌‌گویم اصلا نماز نخوان به جهت رابعه. ظن پیدا کنی که جهت رابعه قبله است می‌‌گویم نماز نخوان به جهت رابعه. فقط احتمال ضعیف است که جهت رابعه قبله است منشأ می‌‌شود بگویی می‌‌ترسم جهت رابعه قبله باشد نماز چهارم را هم بخوانم، می‌‌ترسم در حد یک چهارم احتمال. اگر بگویی آقا! ترسم زیادتر شد، سه چهارم فکر می‌‌کنم جهت رابعه قبله است، صاحب عروه می‌‌گوید اصلا نماز نخوان به جهت رابعه.

واقعا این عرفی نیست حتی بناء بر آن نظر صاحب عروه که لازم نیست چهار خط متقاطع باشد که فرض صاحب عروه این است که نماز دیگر، یکی از آن سه نماز، ‌انحرافش از این جهت رابعه کمتر از نود درجه فرض بشود. آن مبنا هم ظاهر یصلی لاربع وجوه این است که آقا! احتمال دارد جهت رابعه قبله باشد به جهت رابعه هم نماز بخوان. حالا اگر علم پیدا کنی جهت رابعه قبله است بگوییم دیگه نخوان؟! این قابل گفتن نیست.

[سؤال: ... جواب:] یصلی لاربع وجوه الغاء کرد ما بین المشرق و المغرب قبلة‌ را و الا اگر ما بین المشرق و المغرب قبلة قبول بود چرا گفتند چهار نماز بخوان، سه نماز می‌‌خواندیم. پس ما بین المشرق و المغرب قبلة شامل این آقا نمی‌شود چون جاهل ملتفت نمی‌شود. یک چهارم احتمال می‌‌داد جهت رابعه قبله باشد شامل او نمی‌شد حالا که ظن پیدا کرد جهت رابعه قبله است شامل او می‌‌شود‌، ‌نمازهای دیگرش صحیح است؟! این قابل گفتن نیست.

مسأله 16 این است که آیا تحصیل ظن به قبله در غیر نمازهای یومیه حجت است؟ در بحث تخلی، در بحث ذبح ذبیحه، ‌در بحث توجیه محتضر به جانب قبله، دفن میت به جانب قبله آیا ظن به قبله مجزی است یا مجزی نیست؟‌ و اگر متحیر بود این شخص، ‌امکان تحصیل ظن نداشت، چه بکند؟

آقای خوئی فرموده که ظن به قبله حجت است مطلقا. ‌یجزی التحری اذا لم یعلم این وجه القبلة اطلاق دارد چه راجع به نماز چه غیر نماز.

آقای زنجانی دیدم در رساله‌شان فرمودند نه، تحری فقط در نماز مجزی است. در ذبح ذبیحه اگر ظن هم به قبله پیدا کنی جایز نیست ذبح کنی به سمت آن قبله مظنونه مگر این‌که اگر ذبح نکنی حیوان تلف می‌‌شود.

ولی این خلاف اطلاق یجزی التحری است. یجزی التحری، ‌نگفت فی الصلاة.

[سؤال: ... جواب:] صحیحه زراره می‌‌گفت:‌ یجزی التحری ابدا اذا لم یعلم این وجه القبلة. یجزی در اداء تکلیف و لو در حال تخلی حرام است استقبال، یجزی التحری. در ذبح هم واجب است ذبیح را رو به قبله بگذارد یجزی التحری ابدا، مشکلی نیست.

اما متحیر نه، آقای خوئی فرموده، ‌درست هم فرموده، در روایت متحیر هست که یجزی المتحیر اینما توجه، ‌معلوم می‌‌شود که مطلوب توجه به قبله است، استقبال قبله است، در هیچ کدام از این مثال‌هایی که زده شد مطلوب استقبال خود مکلف به طرف قبله نیست. یا مطلوب استقبال ذبیحه است، ‌در واقع می‌‌شود اینما وجّهت ذبیحة نه اینما توجه المکلف. و در محتضر هم وجّه المحتضر است.

[سؤال: ... جواب:] حالا خود محتضر نه، دیگران می‌‌خواهند او را به سمت قبله بکشانند.

یا میت، دیگران او را توجیه می‌‌کنند. هیچکدام اینما توجه المکلف نیست.

و لذا آقای خوئی فرمودند در متحیر ما دلیل نداریم که در غیر نماز یجزی اینما توجه او اینما وجّه.

اما راجع به ذبیحه یک مقدار سهل است امر. در تخلی باید خودش را نگه دارد مگر این‌که بگوید دارم به حرج می‌‌افتم، به ضرر می‌‌افتم، ‌خب او از باب لاضرر و لاحرج مشکل حل می‌‌شود. اما اگر می‌‌تواند باید صبر کند. ذبیحه را نه، ‌آقای خوئی فرموده ذبیحه را جایز است ذبح کند به هر طرف که می‌‌خواهد. چون استقبال قبله شرط ذبح است در حال عمد. روایت می‌‌گوید اذا ذبح علی غیر القبلة لابأس ما لم یتعمد، تا متعمد نیست اشکال ندارد ذبح علی غیر القبلة، خب این‌ آقا هم که متعمد نیست.

انصاف این است: این آقا ملتفت است، ‌علم اجمالی هم دارد به این‌که یکی از این جهات قبله است، ‌سه جهت دیگر قبله نیست. چرا متعمد نباشد؟ آقا! اگر متعمد نیست چرا قید می‌‌زنید اگر امکان تحصیل علم نبود، ‌نخیر، امکان تحصیل علم هم اگر بود بگویید جایز است ذبح ذبیحه به هر طرفی که می‌‌خواهد چون که متعمد نیست. در حالی که این خلاف ظاهر است. و لذا ذر ذبیحه اگر متحیر بود اقوی این است که باید صبر کند. مگر این‌که ذبیح دارد تلف می‌‌شود؛ او یک بحث دیگری است.

کلام واقع می‌‌شود در یک مسأله‌ای که گفته نشده قبل از ما یشترط فیه الاستقبال. و آن این است که یجزی التحری، یجزی المتحیر در موارد عدم مندوحه است یا جایی که مندوحه هم دارد شامل می‌‌شود؟ می‌‌تواند صبر کند آخر وقت از تحیر خارج بشود، از عدم امکان تحصیل علم خارج بشود، می‌‌تواند از بیابان بیاید شهر، آیا لازم است که از آن مکان برود به مکان دیگر یا صبر کند تا آخر وقت یا لازم نیست ان‌شاءالله فردا این را عرض می‌‌کنیم.